اختصاصی

خدمات علمی مرحوم علامه سیدجلال‌الدین آشتیانی

آشتیانی سرحلقه حکمت صدرایی

حسن انصاری
عضو هیئت علمی مؤسسه مطالعات عالی پرینستون

دکتر حسن انصاری عضو هیئت علمی مدرسه مطالعات تاریخی مؤسسه مطالعات پیشرفته پرینستون و متخصص در تاریخ اندیشه امامیه است. او در حوزه تاریخ، رجال، کلام و فرق مذهبی صاحب مقالات متعددی است. انصاری سال ۱۳۸۱ ایران را برای ادامه تحصیل به قصد کشور فرانسه ترک کرد و تحصیلات تکمیلی خود را در رشته فلسفه و تاریخ ادیان در مدرسه کاربردی مطالعات عالی سوربن ادامه داد. نخست موفق به دریافت درجه دیپلم عالی شد (با تدوین دانشنامه‌ای در زمینه سهم محمدبن یعقوب الکلینی در حدیث شیعی) و سپس در همین دانشگاه در فروردین ۱۳۸۸ از رساله دکتری خود دفاع کرد (با تدوین پایان‌نامه‌ای در زمینه منابع اندیشه امامت و غیبت در تشیع امامی). او در همان سال به برلین رفت و دوره پست‌دکتری خود را در دانشگاه آزاد برلین در چارچوب پروژه «علوم عقلی در اسلام قرون میانه» طی کرد. انصاری پژوهشگر ارشد علم کلام و فلسفه اسلامی در دانشگاه آزاد برلین (انستیتوی مطالعات اسلامی) و مدرس اصول فقه و تاریخ علم کلام در این دانشگاه در سال‌های گذشته بوده است. از او تاکنون مقالات متعددی در موضوعات تاریخ علم کلام و تشیع امامی در مجلات خارجی منتشر شده است.

امکان ندارد کسی سر و کارش با فلسفه اسلامی عصر صفوی افتاده باشد اما مرحوم آقاجلال آشتیانی را نشناسد و از آثارش بهره‌مند نشده باشد. در کتابخانه‌های ...

... مکتب در ایران تحصیل دانش کرده بود. او به‌خوبی از عهده فهم مبانی شیخ اکبر در فصوص و مباحث فلسفی و عرفانی شارحان محیی‌الدین به‌ویژه صدرالدین قونوی و مؤیدالدین جندی و فرغانی و داوود قیصری و آثار مهم آنان مانند فکوک و مصباح‌الانس و شرح قیصری برمی‌آمد. آثارش گواه این مطلب است. من خود نخستین‌بار از طریق شرح مقدمه قیصری نوشته استاد آشتیانی با مبانی محیی‌الدین آشنایی حاصل کردم. تعلیقات آن مرحوم بر تمهید القواعد و شروح فصوص و مقدمه‌هایی که بر آثار مرحوم آقا محمدرضا قمشه‌ای و برخی شاگردان او نوشته است حقیقتا برای درک مبانی ابن‌عربی و شارحانش مفید است.

آقاجلال بدین ترتیب یک متن‌شناس برجسته بود. اساسا نوع دانش او متن‌محور بود و از همین رو، شاید مقایسه میان او با دیگر نمایندگان حکمت اسلامی در چند دهه اخیر که کمتر به سنت متون پرداخته‌اند شایسته نباشد. ما در چند دهه اخیر شارحان بسیار خوبی برای فلسفه صدرایی در قم و تهران داشته‌ایم و برخی از آنان مطالب ابتکاری یا نقدهایی بسیار قابل‌توجه بر سخنان آخوند داشته یا در تدوین نظام‌مند فلسفه او مساهمت‌های مهم‌تری داشته‌اند، منتهی مرحوم آقاجلال اهمیتش در متن‌شناسی است و آشنایی با سنت تدریس متون و درک درست از متون حکمای این مکتب. بدین ترتیب، او در آثارش بیشتر شارح متون است و درصدد شرح مبانی و مطالب آخوند و شارحان او و همچنین مکتب ابن‌عربی است تا فلسفه‌ورزی و ارائه دقت‌های فلسفی در براهین حکما. بنابراین شاید در آثار آقاجلال سخن و مبنای جدیدی آن‌طور که مثلا در آثار حکیم مسلم مرحوم آقامهدی حائری می‌بینیم وجود نداشته باشد اما بی‌تردید برای فهم کلمات حکمای مکتب صدرایی، از آثار مرحوم آقاجلال به‌ویژه متن‌هایی که او تصحیح و منتشر کرده است چاره‌ای نیست و من بدیلی از این جهت برای آن مرحوم نمی‌شناسم.

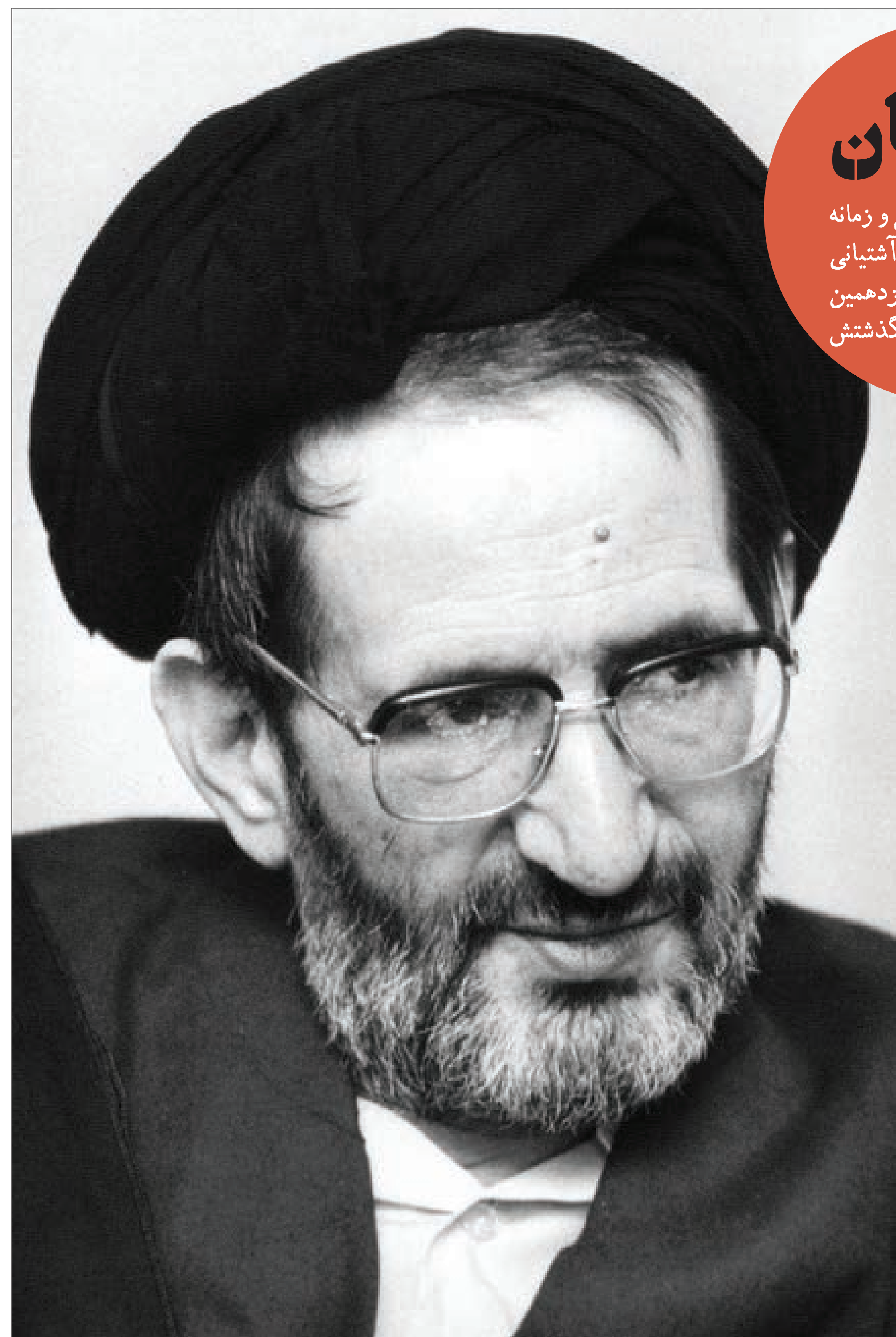

چراغ عقل خراسان

کوتاه درباره زندگی و زمانه حکیم متأله سیدجلال‌الدین آشتیانی به مناسبت پانزدهمین سالگرد درگذشتش

قاسم فتحی
روزنامه‌نگار

به زعم مرحوم سیدهادی خسروشاهی، سیدجلال آشتیانی پس از علامه طباطبایی و آیت‌ا... رفیعی قزوینی به‌عنوان «پدر حکمت و فلسفه معاصر در ایران» توانست یکی از عمیق‌ترین و پایدارترین جریان‌های روشنگرانه را به‌حرکت دربیاورد. این زاده قصبه آشتیان که حالا به شهر بزرگی مبدل شده است علم را نزد استاد فراگرفت و برای دیدنشان سفرهای زیادی کرد و محضر بزرگان بسیاری را درک کرد. رفقا و آشنایان و هم‌کلاسی‌ها این خصیصه او را بسیار ستایش کرده‌اند و از آن به «شگفتی» یاد می‌کنند: «اینکه چگونه یک طلبه جوان آشتیانی نزد مرجع بزرگ شیعه آن اندازه دارای تقرب و اعتبار می‌شود که بعضی مسائل مربوط به حوزه و حتی مسائل سیاسی را نیز با آن طلبه مطرح می‌کند یا با او مشورت می‌کند و عقل و ادراک او را می‌ستاید.» البته او خیلی زود خودش را از صحنه آشکار سیاسی کنار می‌زند. بنا به گفته استاد خسروشاهی در کتاب خاطراتش، «آشتیانی شرحی درباره پیک اعزامی شاه نزد آیت‌ا... بروجردی و نپذیرفتن گفته‌های او از طرف ایشان [مبنی بر نامطمئن بودن پیک و ...] مطالبی را به خط خود می‌نویسد و به نهضت مقاومت ملی در تهران می‌فرستد که متأسفانه دستخط استاد «لو» می‌رود و موجب دردسر و دستگیری ایشان می‌شود. اگرچه با وساطت آیت‌ا... بروجردی مشکل رفع می‌شود، همین اتفاق و اتفاقات دیگر باعث می‌شود استاد فعالیت سیاسی مستقیم را ادامه ندهد.» خسروشاهی در ادامه تأکید می‌کند او تمام و کمال فعالیت سیاسی را کنار نگذاشت و رابط آقای بروجردی با فعالان سیاسی وقت به‌خصوص در مسئله ملی شدن صنعت نفت بود.

در روایت کوتاه زیر، بیش از وجوه سیاسی، به جایگاه علمی این متفکر تراز جهان اسلام از زبان شاگردان و دوستدارانش پرداخته‌ایم و تلاش کرده‌ایم از مهم‌ترین بخش خاطراتشان برای ترسیم این چهره بزرگ جهان تشیع بهره ببریم. طبیعتا این خاطرات در یادنامه‌ها یا مقالات متعددی در این سال‌ها منتشر شده است ولی متأسفانه نکات مهم و ارزشمند آن‌ها مغفول مانده و نگارنده سعی کرده است دیدگاه‌های مختلف آن‌ها را در قالب و با نگاهی دیگر بازگو کند.

آشتیانی در مواجهه با اهالی مکتب تفکیک

آشتیانی مانع بود. سدی در مقابل فراموشی حوزه‌ای که همه منتظر انقراضش بودند یا می‌خواستند آن را کهنه و پوسیده ببینند. او چراغی به گذشته انداخت و چشمان مشتاقان و مخالفان را به گنجینه‌ای درحال ...

... جاهل‌اند، و از فلسفه اسلامی دفاع می‌کرد. یا مثلا مرحوم فقیه سبزواری از مدافعان فلسفه اسلامی بودند. پس در گذشته هم این‌گونه نبود که این‌ها یکه‌تاز باشند و هیچ‌کس مقابل آن‌ها نباشد اگرچه غالب بودند. قبل از سال ۳۸ بود که مرحوم میلانی به مشهد آمدند و خود ایشان هم ...

... مدافع فلسفه نباشد. در همین شبستان مسجد گوهرشاد، آقای حلبی منبر می‌رفت و فلاسفه را نفرین می‌کرد و در شبستان دیگر، منبری دیگر صراحتا می‌گفت که این‌ها نمی‌فهمند و ...

... از خود مرحوم بروجردی بپرسم چرا به من کم لطف شده‌اند. رفتم منزل ایشان و تفقد سابق در کار نبود. خب، علی‌القاعده مرحوم بروجردی هم بشر است و تحت‌تأثیر واقع ...

درحضورش می‌شد سیر آفاق کرد*

داریوش شایگان

معرفی فرزانه‌مردی چون استاد سیدجلال‌الدین آشتیانی که از ستون‌های استوار حکمت و فلسفه کشور ماست، کار چندان آسانی نیست. مضافا به اینکه این فرزانه مرد، دوست هم باشد. دوستی ما به آغازهای سال‌های ۴۰ برمی‌گردد، هنگامی که تازه از خارج برگشته بودم و مشغول نوشتن رساله دکترا بودم. استاد از آن زمان مقیم مشهد بود و گهگاهی به تهران می‌آمد و در منزل دوستان خود اقامت می‌گزید یا من برای دیدن ایشان روانه مشهد می‌شدم، و بدین نحو، همدیگر را مرتب می‌دیدیم. دوستی ما چندین جنبه داشت: ابتدا رابطه صرفا انسانی. سیدجلال مرد بسیار مهربان و گشاده‌روست و اگر به کسی مهر بورزد، دوستی‌اش را بی‌دریغ ایثار می‌کند و در مقابل، چشم‌داشتی نیز ندارد. جنبه دیگر این دوستی تلمذ بود، یعنی آموختن رموز عرفان و تصوف. رساله دکترای من کار تطبیقی بود، رابطه تفکر هندو و تصوف اسلامی. پس ناگزیر می‌بایست به متون اصلی و از جمله فصول‌الحکم ابن‌عربی رجوع می‌کردم، هم لطایف زبان را درمی‌یافتم و هم به معنای مستتر در آن‌ها پی می‌بردم و نیازی به اعتراف کردن نیست که از انجام دادن و این کار کاملا عاجز بودم.

اینجا بود که دوستی ... نه‌فقط متن عربی ... به فارسی روان ... تفسیرهای عالمانه ... می‌افزود و معانی ... تأویل می‌کرد ... در مقام‌های گو... ممارست در متون ... در القای معانی ... داشت. به خاطر ... خارج از بعد آخرالز... بود. یعنی هر گ... خطور می‌کرد، ... زمان بود و نمی‌توا... حال دریابم. است... به من فهماند که ... از جنبه آخرالزما...

سید جلال‌الدین آشتیانی و عبدالهادی حائری

ره‌یافته‌ای غربی در آغوش حکمت متعالیه

روایتی از آشنایی کریستین یحیی بونو با سیدجلال‌الدین آشتیانی

امید حسینی‌نژاد
روزنامه‌نگار

گاهی بعضی دیدارهای ناگهانی برای افراد بسیار قابل‌توجه است. من نیز از این قاعده مستثنا نبودم و نیستم. بعدازظهری تابستانی مشغول قدم زدن در یکی از خیابان‌های منتهی به حرم مطهر بودم. به‌ناگاه نگاهم به آن‌طرف خیابان متوجه فردی با چهره‌ای متفاوت شد. در اولین نگاه شناختمش، کریستین یحیی بونو، مردی از جنس فلسفه. قبل‌تر این، مقالات او را در برخی نشریات علوم انسانی خوانده بودم. به سمتش رفتم و سلام کردم. او نیز با نگاهی مهربانانه پاسخ مرا داد و این شد اولین دیدار من با فیلسوفی از دیار غرب. آن زمان نمی‌دانستم که او شاگرد نزدیک فیلسوف زمانه ما، سید جلال‌الدین آشتیانی، بوده است. استاد آشتیانی عضو هیئت علمی گروه فلسفه دانشکده ما بود اما من توفیق زیارت این چهره تابناک عالم فلسفه را نداشتم و آوازه او از استادانم به گوشم رسیده بود و کتاب‌های عمیق او را مطالعه کرده بودم. این اتفاق سبب شد به دنبال مطالب بیشتری درباره ارتباط بونو با استاد آشتیانی بروم.

شاید زمانی که یحیی بونو به خدمت فیلسوف بزرگ، آیت‌ا... جوادی‌آملی، رسید گمان نمی‌کرد نام سید جلال‌الدین آشتیانی را از زبان او بشنود. یحیی بونو زاده شهر فرایبورگ آلمان در یک خانواده مسیحی کاتولیک بود. او با آثار رنه گنون، فیلسوف مسلمان فرانسوی، آشنا شد و تحت‌تأثیر آثار او در سال ۱۹۷۹ به دین اسلام درآمد و شهرت یحیی علوی را برای خود اختیار کرد. بونو در این باره می‌گوید: «وقتی مسلمان شدم، رفتم برای ادامه تحصیل. از مسئله شیعه و سنی و فرق و اختلاف بین این ۲ هم من اصلا خبر نداشتم. رفتم مسجد برای مسلمان شدن و مسلمان شدم ولی ...

آیت‌ا... جوادی آملی از او می‌خواهد به دنبال فرد دیگری بگردد تا بتواند او را در این مسیر پرفرازونشیب کمک کند. یکی از شهرهایی که ایشان معرفی کردند مشهد بود. در مشهد از نظر حوزه‌های مختلف علمی، تفکر مکتب معارفی مرحوم میرزا مهدی اصفهانی بر آن حاکم بود و شاگردان او و محافل مختلف علمی را در این شهر گشوده بودند اما وجود یک فرد در این شهر مسیر تاریک پیش روی او را روشن کرد. آیت‌ا... جوادی‌آملی در وصف آشتیانی به زبان عربی به او گفته بود: «نعم، فی مشهد، سید جلال‌الدین آشتیانی و هو سید جلیل عالم معلم.» و بعد گفتند که ایشان برای شما بهتر است، چون هم به سیستم دانشگاهی آشناست و هم بر فلسفه ملاصدرا و عرفان ابن‌عربی تسلط کامل دارد.» سیدجلال‌الدین آشتیانی از شاگردان برجسته فلسفه امام خمینی(ره) بود که سال‌ها در این شهر رحل اقامت افکنده بود. او مدیر گروه فلسفه اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد بود و علاوه بر آن، در فضای حوزه علمیه مشهد نیز با همه فشارها مَحملی فلسفی فراهم ساخته بود.

نام سیدجلال برای او آشنا بود زیرا در آثار متعدد هانری کربن از او یاد شده بود. هانری کربن از ایشان به ملاصدرای زنده تعبیر کرده بود. وی گمان نمی‌کرد سیدجلال در قید حیات باشد اما با اشاره آیت‌ا... جوادی‌آملی بارقه امیدی در دلش درخشید. مشکلی سر راه او قرار داشت. سیدجلال‌الدین آشتیانی فردی سخت‌گیر بود و به همین راحتی شاگرد نمی‌پذیرفت. پس از عزیمت به مشهد، نزد او رفت و به توضیح کارنامه علمی خود و آشنایی‌اش با هانری کربن پرداخت. استاد آشتیانی شرط کردند که اول باید یک تابستان را به صورت آزمایشی به درس من بیایید تا بعد تصمیم بگیرم. او تابستان بعد مدت ۲ ماه به حضور ایشان رسید و یکی از کتاب‌های مختصر ملاصدرا به نام «المظاهر الالهیه» را که چکیده آرا و افکار اوست، با ایشان گذراند. پس از این ...

کریستین یحیی بونو در کنار سیدجلال‌الدین آشتیانی